

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: جرمی کوربین  
برگردان: جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختری  
۱۲ اکتوبر ۲۰۲۴

## بی مجازات ماندن اسرائیل ما را به خطر می اندازد



اسرائیل بدون مجازات ما را به خطر می اندازد

سرانجام حدود ساعت ۷ عصر به غزه رسیدیم. از آنجا که مسیر مستقیمی به غزه وجود ندارد، مجبور شدیم به قاهره پرواز کنیم و سپس به گذرگاه رفح برویم. تعداد ایست‌های بازرسی اسرائیل را که عبور کردیم از دستم در رفته بود؛ این واقعیتی روزمره برای فلسطینیانی است که تحت آپارتاید زندگی می‌کنند. ما در بندر نزدیک منطقه رمال در شهر غزه اقامت داشتیم؛ از پنجره می‌توانستیم قایق‌های گشتی اسرائیلی را ببینیم که مانع از آن می‌شدند که ماهیگیران فلسطینی بیش از ۳ کیلومتر به بحیره بروند.

صبح روز بعد، سفری کوتاه به اردوگاه پناهندگان الشاطی داشتیم. این اردوگاه که در ساحل مدیترانه و شمال غزه واقع شده، به «اردوگاه ساحلی» نیز معروف است. این اردوگاه در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد و در ابتداء حدود ۲۳۰۰۰ پناهنده را که به دلیل نکبت آواره شده بودند، اسکان داد. تا زمانی که من در سال ۲۰۱۳ از آن بازدید کردم، این تعداد به ۹۰۰۰۰ نفر رسیده بود که در زمینی به مساحت نیم کیلومتر مربع جمع شده بودند.

در داخل اردوگاه ساحلی، یک مدرسه ابتدائی وجود داشت. این مدرسه که توسط معلمانی فداکار و سخت‌کوش اداره می‌شد، هدفش ایجاد فضائی برای کشف، موسیقی، تئاتر و هنر بود. برخی از کودکان کارهایشان را به من نشان دادند. نقاشی‌هایی از هواپیماها، حصارها و بمب‌ها وجود داشت. اما نقاشی‌های دیگری هم بود: از والدین، برادران، خواهران و دوستانشان.

اردوگاه ساحلی در روزهای ۹ و ۱۲ اکتوبر سال گذشته بمباران شد. چهار مسجد تخریب و حداقل ۱۵ نفر کشته شدند. در ۲۲ جون، این اردوگاه دوباره بمباران شد و ۲۴ نفری که برای نماز جمع شده بودند، کشته شدند. نمی‌دانم که آیا مدرسه ابتدائی هنوز پابرجاست یا نه. وقتی خبر بمباران غزه را می‌شنوم، به کودکانی فکر می‌کنم که ملاقات کردم و نمی‌دانم آیا آنها هنوز زنده‌اند. در دنیائی عادلانه، آنها باید برای جشن تولد هجدهم خود برنامه‌ریزی کنند، برای امتحانات درس بخوانند و با والدینشان سر میز شام بحث کنند. اما دنیای ما عادلانه نیست. آیا آنها در حال سوگواری برای عزیزانی هستند که روزی نقاشی‌شان را کشیده بودند، یا این که زیر آوار، همراه با رویاهای کودکی‌شان دفن شده‌اند؟

پس از حمله حماس، بسیاری از ما خواستار آتش‌بس فوری شدیم تا از تلفات بیشتر جلوگیری شود. ما خواستار آرامش و کاهش تشنج در پی این وحشت غیرقابل تصور شدیم و به رهبران سیاسی خود هشدار دادیم که اظهارات خون‌خواهانه پیامدهائی برای ماه‌ها، سال‌ها و نسل‌های آینده خواهد داشت.

یک سال بعد، شمار کشته‌شدگان در غزه از ۴۱۰۰۰ نفر فراتر رفته است. این شامل کسانی نمی‌شود که زیر آوار مدفون شده‌اند یا کسانی که احتمالاً از سوءتغذیه، جراحات و عفونت جان خواهند باخت. تخمین‌های نشریه لنست تعداد واقعی را ۱۸۶,۰۰۰ نفر برآورد می‌کند. این یعنی ۱ نفر از هر ۱۲ نفر در غزه، به نام دفاع از خود، گرسنگی می‌کشند و قتل‌عام شده‌اند. هر کدام نام، چهره و داستانی دارند. در گورهای بی‌نام، هنرمندانی آر미ده‌اند که نقاشی‌هایشان را هرگز نخواهیم دید، نویسندگانی که کتاب‌هایشان را هرگز نخواهیم خواند و معلمانی که درس‌هایشان را هرگز نخواهیم آموخت. ما باید به دنبال عدالت برای تمام جنایات جنگی باشیم که در سال گذشته شاهد بودیم. اما در عوض، اسرائیل هزاران نفر را در لبنان قتل‌عام می‌کند، زیرا بدون هیچ مجازاتی مجاز به عمل است. دولت ما ماشین جنگ را تقویت کرده و بی‌تفاوتی آنها به زندگی انسان، همه ما را به خطر انداخته است. تمام این‌ها کاملاً قابل اجتناب بود، اگر رهبران سیاسی تمایل به رعایت قوانین بین‌المللی داشتند.

بدون کاهش تشنج بیشتر، وحشتی غیرقابل تصور در پیش است. اما در حالی که در آستانه یک جنگ منطقه‌ای بزرگ ایستاده‌ایم، فراموش نکنید کسانی را که در پس این جنگ کشته شدند. فراموش نکنید آنچه از ما برای همیشه گرفته شده است. فراموش نکنید مردم غزه را، جایی که نسل‌کشی بی‌وقفه ادامه دارد.

ما به راهپیمائی خود ادامه می‌دهیم زیرا نمی‌خواهیم یاد فلسطینیان از بین برود. ما همچنان خواستار توقف فروش تمام سلاح‌ها به اسرائیل هستیم. ما همچنان از تنها راه رسیدن به صلحی عادلانه و پایدار دفاع می‌کنیم: پایان اشغال فلسطین. پس از یک سال نسل‌کشی، ممکن است از خود بپرسیم چرا با وجود نشنیده شدن خواسته‌هایمان، همچنان ادامه می‌دهیم. تا زمانی که فلسطینیانی هستند که رویای آزادی دارند، چه انتخاب دیگری داریم؟

به یاد دارم، در راه بازگشت از اردوگاه ساحلی، از کنار یک پروژه کشاورزی گذشتیم. این پروژه ۵۰ هکتار از یک شهرک اسرائیلی سابق را خریداری کرده بود. تمام ساختمان‌ها توسط کسانی که آنجا را ترک کرده بودند تخریب شده بود و فلسطینی‌ها آوار را به مزرعه‌ای تعاونی تبدیل کرده بودند. به من گفتند، بزودی، زیتون‌ها و میوه‌ها رشد خواهند کرد. هرگز امیدم را از دست نخواهم داد که این زیتون‌ها و میوه‌ها در یک فلسطین آزاد و مستقل رشد خواهند کرد.

منتشر شده در مانته ریویو آنلاین